



اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

تبعیض جنسیتی و نابرابری هنوز سیمای نظم موجود جهان است! ستم بر زنان و اعمال ستم بر اساس جنسیت در زندگی فردی و اجتماعی، یک رکن اساسی نظام سرمایه‌داری است که نابرابری بنیادی در جامعه را باز تولید می‌کند. هرچند سرمایه‌داری مبتکر انقیاد زنان نیست و فرودستی زنان به شیوه‌های مختلف در تمام جوامع طبقاتی پیشین نیز وجود داشته است، اما سرمایه‌داری همواره ستم بر زنان و مردسالاری را به‌عنوانین مختلف در جامعه باز تولید و تشدید می‌کند. اساس نظام و دنیای موجود را تبعیض و نابرابری، مالکیت خصوصی، بردگی مزدی و استثمار فرد از فرد تشکیل می‌دهد. این چهارچوب، منشأ نابرابری و تبعیض از جمله ستمکشی زن در محل کار و جامعه و قانون و تفکر حاکم است. مردسالاری، محصول فرهنگ و قوانین ناظر بر این نابرابری بنیادی است. علیرغم اینکه در بخشی از کشورهای پیشرفته‌تر جهان در قیاس با کشورهای استبدادزده در نتیجه مبارزات زنان و مبارزات کارگری و سوسیالیستی، تغییراتی در قوانین و تغییر نسبی در موقعیت زنان به وجود آمده است، اما تبعیض جنسیتی و ستم بر زنان در اکثر کشورهای جهان به شیوه‌ای زمخت نمایان است. هشت مارس خود محصول جنبش بین‌المللی سوسیالیستی طبقه کارگر و یک سنت مبارزاتی رادیکال زنان کارگر و کمونیستی است که هنوز در مقابل واپسگرایی بورژوازی مقاومت می‌کند و می‌جنگد.

امسال در شرایطی به پیشواز روز جهانی زن می‌رویم که بیش از دو سال از پاندمی کرونا می‌گذرد و بورژوازی جهانی علیرغم دسترسی انسان به امکانات و پیشرفت علم و تکنولوژی در مقابله با چنین مصائبی، بیش از هر دوره‌ای بی‌لیاقتی و ناتوانی خود را در اداره جامعه و حفظ سلامتی مردم نشان داده است. در جهانی که جان انسان بسادگی قربانی سود سرمایه می‌شود، ستم بر زنان نمی‌تواند ریشه‌کن شود. پاندمی کرونا و بحران سرمایه‌داری نه تنها بیکاری و فقر گسترده‌تری را به طبقه کارگر و مردم محروم جهان تحمیل کرد، بلکه فشار ناشی از این اوضاع به اعمال خشونت بیشتر علیه زنان و افزایش آزار جسمی و جنسی علیه آنان در خانواده و محل کار شده است.

اگر اعمال تبعیض جنسیتی و ستم بر زنان ضرورتی جهانی برای سود سرمایه است، این امر در کشورهای تحت حاکمیت رژیم‌های اسلامی مانند جمهوری اسلامی ایران در قالب یک سیستم آپارتاید جنسیتی تمام‌عیار عمل می‌کند. این رژیم با استفاده از مذهب به‌مثابه ابزار ایدئولوژیک و با بهره‌گیری از فرهنگ عقب‌افتاده مردسالارانه، تبعیض جنسیتی و خشونت بر زنان را قانونی و نهادینه کرده است و حقوق اولیه زنان نظیر حق تشکل مستقل زنان، حق سقط‌جنین، حق طلاق، حق سرپرستی فرزندان، حق وراثت، حق مسافرت، حق انتخاب لباس، حق انتخاب رشته تحصیلی و ... از زنان رسماً سلب شده است. تفکیک جنسیتی در تمام ارکان جامعه و در مؤسسات آموزشی به یک اصل تبدیل شده است. رژیم در حالیکه به مردان حق چندهمسری اعطا می‌کند، با ترویج فرهنگ مردسالارانه و ارزش‌های پوسیده ارتجاعی مانند ناموس و غیرت به وقوع و افزایش خشونت و بربریت عریان همچون قتل‌های

ناموسی - زن کشی، دامن می‌زند. کودک همسری یا تجاوز به کودکان را قانونی می‌کند و از سوی دیگر با رواج دادن صیغه به تن‌فروشی چهره‌ای قانونی می‌دهد.

اسلام سیاسی اکنون به‌عنوان یک جنبش ضد انسانی و زن‌ستیز فقط در ایران نیست که زندگی میلیون‌ها انسان را به تباهی کشانده است، بلکه در سایر کشورهای خاورمیانه و آفریقا نیز زندگی زنان را با مخاطرات جدی‌تری روبرو کرده است. به قدرت رساندن نیروهای مرتجع طالبان در پائیز ۲۰۲۱، عقب‌نشینی بزرگی را به مردم افغانستان، به‌ویژه زنان تحمیل کرده است و بار دیگر هم سرنوشتی زنان را در ایران و افغانستان برای آزادی و برابری در مقابله با توحش اسلامی را به هم گره‌زده است.

با این‌همه و به‌رغم همه این فشار و تبعیض و سرکوب و بی‌حقوقی، جنبش‌های و برابری طلبانه زنان در ایران هیچوقت متوقف نشد و اکنون به یکی از جنبش‌های رادیکال و قدرتمند برعلیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی تبدیل‌شده و در میان مردم ایران از پشتیبانی و محبوبیت بسیاری برخوردار است. دولت جمهوری اسلامی از پتانسیل قوی و رادیکال جنبش زنان به‌خوبی آگاه است و به همین دلیل از هر ابزاری برای سرکوب و عقب‌نشینی آنان و دستاوردهایشان استفاده می‌کند.

اگرچه در تمامی سال‌های حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی، مبارزات زنان آزاده ایران به اشکال مختلف تداوم داشته است، اما خیزش‌های انقلابی دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ نشان داد که تغییر واقعی در موقعیت زنان در گرو پیشروی و عروج جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است.

از این‌رو، همان‌گونه که در بیانیه سیاسی مصوبه کنفرانس استکهلم "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" آمده است، جنبش‌های زن تنها با گذر انقلابی از جمهوری اسلامی و در راستای یک افق سوسیالیستی، با شرکت فعال در یک جنبش سراسری و در همگامی با سایر جنبش‌های اجتماعی می‌تواند در موقعیت بهتری قرار گیرد. جنبشی که هرگونه ستم و تبعیض جنسیتی را مردود می‌شمارد و علیه هرگونه نابرابری و بی‌عدالتی مبارزه می‌کند. پوشیده نیست مبارزه برای رفع تبعیض جنسیتی نیز مانند هر جنبش مطالباتی دیگر نمی‌تواند با مبارزات سیاسی، اجتماعی و طبقاتی جاری در جامعه و سایر جنبش‌های رفع تبعیض و استثمار و ستم همسو نگردد. تنها در به هم پیوستگی تمامی جنبش‌های سیاسی و اجتماعی موجود است که افق‌های روشنی در برابر کلیت جامعه قرار می‌گیرد. روشن است عین این وضعیت برای زنان افغانستان نیز صادق است.

مقاومت قهرمانانه زنان افغانستان در تقابل با توحش اسلامی طالبان و علیه مداخلات دولت‌های امپریالیستی، نشان می‌دهد که جنبش آزادیخواهی زنان در خاورمیانه از جمله در ایران و افغانستان از ظرفیت بالایی برخوردار است و همراه با جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های آزادیخواه با به میدان آمدن نیروی کارگران و زحمتکشانشان می‌تواند چشم‌انداز آینده‌ای روشن، آینده‌ای عاری از ستم و تبعیض و نابرابری را برای زنان امکان‌پذیر نماید.

حضور زنان در صفوف اول تظاهرات و اعتراضات ماه‌های اخیر معلمان و بازنشستگان، نشان از پتانسیل عظیم جنبش برابری طلبانه آنان برای رفع تبعیض و نابرابری در جامعه ایران است. هم‌اکنون، جامعه ایران آستان حوادث مهمی است و فعالین جنبش برابری طلبی زنان بدون شک در صف اول این مبارزات خواهند بود.

در آستانه هشت مارس روز جهانی زن، همبستگی با مبارزات زنان در اقصی نقاط جهان به وظیفه اردوی سوسیالیستی و برابری طلبی در ایران و جهان تبدیل‌شده و ضرورت حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه از این مبارزات را صدچندان ضروری کرده است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، همه احزاب و جریان‌های چپ و کمونیست را در روز ۸ مارس به مبارزه پیگیر علیه جمهوری اسلامی و رفع تبعیض و نابرابری و یک‌رهای سوسیالیستی فرامی‌خواند.

زنده باد جنبش برابری طلبانه و سوسیالیستی زنان!

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۱۹ فوریه ۲۰۲۲

۳۰ بهمن ۱۴۰۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.